

درس بیست و هشتم



واژگان درس

مقرّ: المركز

إحضار کرد: استدعاء / دعاه إلى

مشكل: المشكلة

ديشب: الليلة البارحة

پاسگاه: المخفر

پی گیری: المتابعة

سرباز: الجندي

ساختارهای گفتاری درس

نیروی انتظامی: قوات الأمن

چون که: لأنّ

دزد زده است: سرقة اللص

تشکیل پرونده: فتح ملفّ

اتاق افسر نگهبان: غرفة الضابط المناوب



در پاسگاه پلیس (۱)

محسن: ما به مقرّ نیروی انتظامی می رویم.

حسن: بله اما چرا سروان حمیدی ما را به مقرّ نیروی انتظامی خواست؟

محسن: او ما را به مقرّ نیروی انتظامی احضار کرده است.

حسن: ما باید برای تشکیل پرونده به آنجا برویم. اما چرا؟

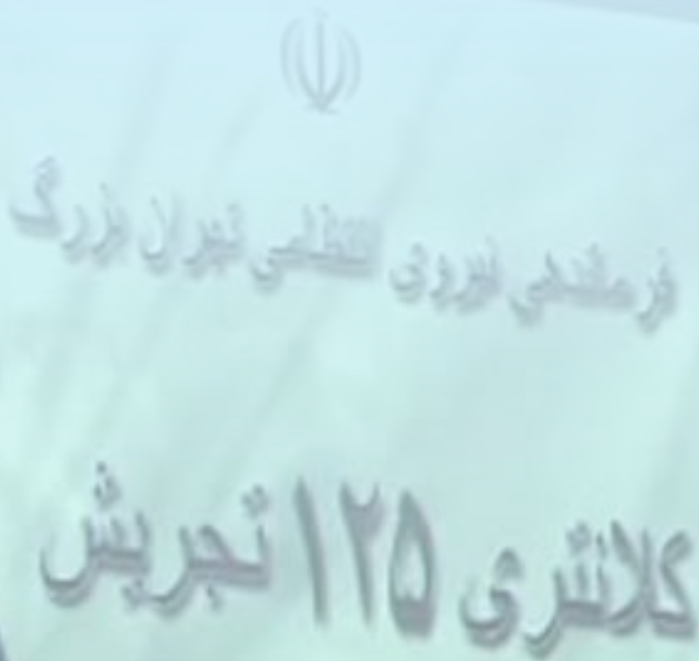
محسن: برای اینکه پلیس بتواند مسئله ای را پی گیری کند. مسئله دزدی از خانه ما را.

حسن: مسئله یا مشکل دزدی؟

محسن: برای اینکه پلیس بتواند مسئله دزدی از خانه ما را پی گیری کند.

حسن: پس باید با سروان حمیدی صحبت کنیم.

محسن: بله او مسئول پی گیری پرونده است.



در پاسگاه پلیس (۲)

حسن: سلام جناب سروان.

سرباز: سلام من سروان نیستم من سرباز هستم.

حسن: بله جناب سرباز ما برای ...

سرباز: شما متهم هستید برای اعتراف آمدید؟

حسن: متهم؟ اعتراف؟

حسن: ما متهم نیستیم ما برای اعتراف نیامدیم. دیشب به خانه ما دزد آمده بود.

سرباز: خانه شما را دزد زده است پس به اتاق افسر نگهبان تشریف ببرید؟

حسن: بله، خیلی ممنون.

افسر نگهبان: بفرمائید در خدمت شما هستم.

حسن: دیشب به خانه ما دزد آمده بود ما با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم. آقای سروان حمیدی به خانه ما آمدند.

افسر نگهبان: به شما گفتند که فردا به مقر نیروی انتظامی تشریف بیاورید.

حسن: بله، ایشان به ما گفتند.

افسر نگهبان: خیلی ممنون که آمدید.

۱. حسن و محسن به کجا رفتند؟

۲. سروان حمیدی از آنها چه خواست؟

۳. برای چه کاری به مقر پلیس رفتند؟

۴. چه مشکلی پیش آمده بود؟

۵. مسئول پی گیری پرونده کیست؟

۶. سرباز فکر کردند آنها برای چه کاری آمدند؟

۷. آنها را به اتاق چه کسی راهنمایی کرد؟

۸. چه وقت به خانه آنها دزد آمده بود؟

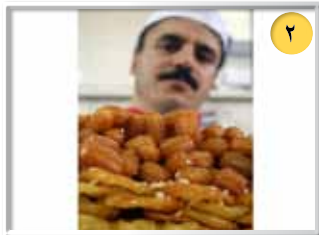
جمله های پر کاربرد روزمره

۱. پاسگاه پلیس کجاست؟ (أين مخفر الشرطة؟)
۲. افسر کشیک کیست؟ (من هو الضابط المناوب؟)
۳. برای این مشکل پرونده تشکیل دهید. (إفتحوا ملفاً لهذه المشكلة.)
۴. پرونده به دادگاه ارجاع شد. (أحيل الملف إلى المحكمة)
۵. متهم تحت پی گیری پلیس است. (المتهم تحت ملاحقة الشرطة.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

سرباز - پلیس راهنمایی - قصاب - پارچه فروش - شیرینی فروش



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | | | |
|--------------------------------------|---|-----------------------------------|---|
| ۱. پلیس متهم را دستگیر کرد. | • | ۶. إتصلنا بالشرطة. | • |
| ۲. ما با پلیس تماس گرفتیم. | • | ۷. ليلة البارحة جاء لص إلى بيتنا. | • |
| ۳. دیشب دزد به خانه ما آمده بود. | • | ۸. سُرق محل الصياغة. | • |
| ۴. مظنون ها را زندانی کردند. | • | ۹. ألقى الشرطي القبض على المتهم. | • |
| ۵. طلافروشی مورد دست بُرد قرار گرفت. | • | ۱۰. حبسوا المشبوهين. | • |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. این کار برای من مشکل نیستند. _____
۲. او ما را به مرکز پلیس احضار کرده اند. _____
۳. پلیس دزدی خانه ما را پی گیری می کنیم. _____
۴. حسن آقا شما هنرپیشه خوبی می شوند. _____
۵. این امتحان سخت نیست. _____
۶. ما به سه نفر نیاز دارند. _____
۷. میهمانان روی صندلی نشستند. _____
۸. من چیزهای زیادی یاد گرفتیم. _____

تمرین‌ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

الامن	امتحان
المُثَل	امنیت
الوقوف	نقش
یضحک	افسر
الاختبار	ایستادن
دور	هنرپیشه
الضابط	می‌خندد
الجندي	سرباز

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

نزدیک	سخت
آسان	نشستن
برخاستن	نداریم
داریم	دور

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. دستگیر :
۲. افسر:
۳. گوش دادن :
۴. دزدی :
۵. بازداشت کردن :

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. روی - معلم - تخته - می نویسد. _____
۲. دستگیر - دزد - مان - را - خانه - کرد - پلیس. _____
۳. به - آمدند - افسر - خانه - پلیس - ما. _____
۴. با - تماس - گرفتند - کسی - چه؟ _____
۵. از - شکایت - همسایه - دزد - مان - کرد. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

- گروهیان: ببخشید _____ ، مظنون ها را _____ کردند.
- افسر نگهبان: بیاورشان، بیا بید _____ بنشینید و خوب _____ .
- استوار: _____ قربان.
- افسر نگهبان: خب _____ شما به _____ از طلا فروشی مظنون _____ .
- مرد اول: قربان ما _____ .
- افسر نگهبان: اما _____ طلافروشی از شما _____ کرده است.
- مرد اول: ما در _____ دوستان _____ . دوستان یعنی _____ ما.
- افسر نگهبان: شاهد شما _____ ؟

الصفات المضادة

توجد في الفارسية صفات مضاداتها الفاظ خاصة. فمثلاً نقول: سير (شبعان) / گرسنه (جائع)،
 خوابیده (نائم) / بیدار (مستيقظ)، بلند (طويل) / کوتاه (قصير)
 و اما هناك صفات تستخدمها بشكل منفي باضافة حرف «نا» في اولها و هي بمعنى «غير»
 فمثلاً: خرسند (راضٍ) / ناخرسند (غير راضٍ)
 مهربان (حنون) / نامهربان (غير حنون)
 أمثلة:

- ۱ - سعيد از اين برنامه ناراحت است . (سعيد غير مرتاح إلى هذا البرنامج).
- ۲ - اين مقدار پول برای خرید ناکافی است. (هذا المبلغ من المال غير كافٍ للشراء).
- ۳ - اين مسافر ناآشنا است. (هذا المسافر غريب).
- ۴ - من از کار شما ناآگاه نیستم. (لست جاهلاً بأمركم).
- ۵ - پاسخ سؤال نادرست است. (إجابة السؤال غير صحيح).